

تاریخ

به بهانه سالروز درگذشت پهلوان تختی

سلبریتی خوشنامی که در تاریخ گم نمی شود



آل احمد در توصیف مردی که شاه را با نبوسیدن دستش تحقیر کرد، می گوید: تختی پوریای ولی نبود، او هیچ کس نبود، او خودش بود. بگذار دیگران را به نام او با حضور او بسنجیم. او مبنا و معنای آزادی است... و هرگز به طبقه خود پشت نکرد

نقیسه زارعی

نویسنده



شاید هیچ کس فکرش را نمی کرد پسر رجب خان که از همه برادر و خواهرهایش کوچکتر بود روزی آن قدر شهرت پیدا کند که حتی در سال های پس از نبودنش هم اسمش سر زبان ها باقی بماند. غلامرضا تختی مرد درجه یک کشتی، به دلیل مشکلات خانوادگی و زندگی دشواری که داشت نتوانست درس بخواند ولی در سال ۱۳۲۹ به خاطر علاقه ای که به کشتی و ورزش های باستانی و پهلوانی داشت به باشگاه پولاد رفت. تختی در دوران زندگی ورزشی اش رکورددار شرکت در المپیک ها و کسب بیشترین مدال از این آوردگاه بود. در چهار دوره المپیک حضور داشت و حاصل آن یک طلا، دو نقره و یک عنوان چهارم بود که در کشتی ایران این امر اتفاق نادری است. جهان پهلوان علاوه بر قهرمانی، به لحاظ منش و رفتار انسانی و سجایای اخلاقی پسندیده و جوانمردی و نوع دوستی هم شهره خاص و عام بود. تختی همه زندگی اش را وقف مردم کرد. به قول قدیمی ها انگار پشت هیکل درشت و ورزیده اش خدا قلبی از طلا به او داده بود، در زلزله بوئین زهر اگر کمک های تختی نبود شاید هیچ کس به حکومت اعتماد نمی کرد تا به زلزله زده ها کمک کند، تختی در میدان ورزش باستانی و کشتی صاحب مقام پهلوانی و قهرمانی بود اما او در میدان مردم داری آن قدر دلسوزانه حضور داشت که هنوز که هنوز است خیلی از قدیمی ها وقتی اسمش را می شنوند محال است یاد روزهای زندگی این مرد نیفتند و آه نکشند، تختی درست در سال هایی که به قول امروزی ها سلبریتی بودن مُد نبود کاملاً در نقش یک ستاره متواضع ورزشی و مردمی ظاهر شد. آل احمد در توصیف مردی که شاه را با نبوسیدن دستش تحقیر کرد، می گوید: تختی پوریای ولی نبود، او هیچ کس نبود، او خودش بود. بگذار دیگران را به نام او با حضور او بسنجیم. او مبنا و معنای آزادی است... و هرگز به طبقه خود پشت نکرد.

ورود تختی به عرصه سیاست

حسین شاه حسینی از بنیانگذاران نهضت ملی درباره ورود تختی به عرصه سیاست این گونه روایت می کند: کسی دست تختی را نگرفت تا او را وارد عرصه سیاست کند. این اقتضای شرایط زمانی او بود که او را به سمت سیاست کشاند. در آن زمان روزنامه های متفاوتی در حوزه نقد و اجتماع فعالیت می کردند و از آنجا که خود تختی اندیشه های خاص اجتماعی داشت باعث ارتباط او با عده ای دیگر از رفقا و فعالان حاضر در جامعه شد. مرحوم تختی هرگز به شکل عضو ثابت در هیچ کدام از این گروه ها یا احزاب حاضر نشد مگر در سال ۱۳۴۰ که در آستانه کنگره ملی که همزمان با تشکیل سازمان جبهه ملی بود او نیز مسئول ورزش این سازمان شد. او بعد از کودتای ۲۸ مرداد دیگر تختی سابق نبود. در محافل و مسابقات حکومتی شرکت نمی کرد. او حتی پس از این واقعه



تختی نیست ولی باز گفته می شود او تحت فشار حامیان شاه شرایط اهدایی را قبول می کند، یا در جایی دیگر وقتی شاه از تختی پرسیده بود که تا کی می خواهد پهلوان بماند؟ او در جواب شاه گفته بود تا زمانی که مردم بخواهند. در حقیقت او این عنوان را از جانب مردم و برای مردم پذیرفته و عنوان می کند. (روزنامه شرق)

دوگانه خودکشی یا قتل

غلامرضا تختی صرفاً یک نام نیست بلکه هویت یک ملت است، هویتی که طی سال های اخیر پیرامون چگونگی درگذشتش حرف ها و حدیث های بسیاری شنیده شده، بابک تختی تنها فرزند جهان پهلوان در مصاحبه ای مطبوعاتی تأکید کرده بود پدرش قطعاً خودکشی کرده است برخی نیز معتقدند او در هتل آتلانتیک به دست مأموران ساواک به قتل رسیده است.



استقبال مردم از زنده یاد غلامرضا تختی، در بازگشت از یکی از مسابقات خارجی



زنده یاد غلامرضا تختی، در کنار مادرش